

مریم احمدی شیروان | بیش از ۷۰ روز از شهادت جانشوز رهبر حکیم انقلاب و مرجع عالی قدر، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای می‌گذرد. در روزهای اول، مراجع بزرگوار با فتاوای فوری خود، تکلیف کلی عبادت‌های مردم را مشخص کردند؛ اما حالا که از آن فضای اضطراری فاصله گرفته‌ایم، سؤالات دقیق‌تری برای متدینان پیش آمده است. بسیاری می‌پرسند تکلیف کسانی که سال‌ها بر تقلید امام راحل (ره) باقی مانده بودند چیست؛ خمس و وجوهات شرعی را باید به کجا پرداخت و در مسائل جدید زندگی چگونه باید عمل کرد؟

برای پاسخ به این دغدغه‌ها، به سراغ آیت‌الله ابوالقاسم علیدوست، استاد برجسته درس خارج حوزه علمیه، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه و نظریه‌پرداز فقه رفتم. او در این گفت‌وگو با بیانی ساده و دقیق، نقشه راه شرعی مؤمنان را در این روزهای حساس ترسیم کرد تا هرگونه سردرگمی در زندگی فقهی مقلدان برطرف شود.

راه تداوم تقلید از مرجع شهید چیست؟

با فقدان این مرجع بزرگ، نخستین پرسش مقلدان این است که تکلیف عمل به فتاوی ایشان چه می‌شود؟ آیا اساساً امکان استمرار این مسیر وجود دارد و برای این کار، لزومی به کسب اجازه از یک مرجع زنده مشخص هست؟ در نظام اجتهادی ما، هنگامی که مرجعی؛ خواه در مقام رهبری باشد یا غیر آن، دار فانی را وداع می‌گوید، مقلد موظف است برای استمرار عمل به فتاوی ایشان، به نظر مراجع زنده رجوع کند. بنده شخصاً مبنای بقا بر میت را صحیح نمی‌دانم، اما نکته کلیدی اینجا است که برای عامه متدینان، ملاک، نظر مراجع جایز تقلید فعلی است. از آنجا که هم‌اکنون بخش قابل توجهی از مراجع زنده، بقا بر تقلید را جایز و در مواردی واجب می‌دانند، مقلدان ایشان می‌توانند بر تقلید خود باقی بمانند. نکته بسیار دقیق این است که در این مرحله، لزومی ندارد مقلد حتماً به یک شخص خاص استناد دهد؛ همین که می‌داند در میان مراجع زنده و جایز‌التقلید، کسانی (مانند آیات عظام وحید خراسانی، سیستانی، مکارم شیرازی و دیگر بزرگان) بقا را جایز می‌دانند، برای استمرار تقلید کفایت می‌کند و عمل او مجزی است.

تکلیف مقلدان قدیمی امام خمینی (ره) چیست؟

گروه زیادی از متدینان همچنان بر تقلید امام

گفت‌وگوی تفصیلی با آیت‌الله ابوالقاسم علیدوست درباره نظم‌زندگی فقهی در دوران جدید

چگونه بر تقلید از «امام شهید» باقی بمانیم؟



خمس و وجوهات را کجا بپردازیم؟

یکی از چالش‌های عملی برای مردم، بحث پرداخت خمس و سهم امام است. با توجه به مبنای امام شهید مبنی بر لزوم تمرکز این وجوهات نزد حاکم و رهبر جامعه، اکنون متدینان باید وجوهات خود را به کدام نهاد یا دفتر تحویل دهند؟ اگر مقلدی بر اساس نظر مراجع زنده، بر تقلید مرجع فقید باقی ماند، باید به چارچوب فتاوی همان مرجع در بحث وجوهات نیز پایبند باشد. مشهور این است که نظر رهبری شهید بر تمرکز وجوهات نزد حاکم شرع و کسی که زعامت جامعه را بر عهده دارد، استوار بود. بنابراین، اگر مقلد بر اساس قرائن و شواهد، زعامت فعلی را در فرزند ایشان، آیت‌الله سیدمحمدتبی خامنه‌ای می‌بیند، می‌تواند وجوهات

خمینی (ره) باقی بوده‌اند و این استمرار با اجازه «امام شهید» صورت می‌گرفت. اکنون که آن واسطه و مرجع مجوز حضور ندارد، تکلیف این پیوند فقهی با امام راحل چه می‌شود؟ در این وضعیت، در واقع آن واسطه‌ای که اجازه بقا بر امام خمینی (ره) را صادر کرده بود، دیگر نیست. اما این به معنای بطلان تقلید نیست. اکنون این افراد با استناد به نظر مراجع زنده فعلی که بقا بر میت را جایز می‌دانند، به مسیر خود ادامه می‌دهند. در حقیقت، با یک واسطه، حجیت فتاوی امام خمینی (ره) برای این افراد از طریق مراجع زنده فعلی استمرار می‌یابد و پیوند فقهی آنان با مرجع نخستین همچنان برقرار می‌ماند.

را به دفتر ایشان تحویل دهد و قبض دفتر رهبری را دریافت کند که کفایت می‌کند. البته راه دومی هم وجود دارد؛ اینکه در این مسئله خاص (نحوه پرداخت) به یک مرجع زنده رجوع کند. اگر آن مرجع زنده اجازه دهد وجوهات مرجع فقید به دفتر زعیم فعلی پرداخت شود، باز هم مسئله حل شده است. اما در مجموع، پرداخت به دفتر رهبری شهید که اکنون تحت نظر زعامت جدید است، مجزی است.

راهنمای مقلدان در مسائل تازه شرعی

در مواجهه با موضوعات نوپدید و مسائل جدیدی که در رساله یا فتاوی امام شهید پاسخی برای آن‌ها وجود ندارد، تکلیف چیست؟ در این بن‌بست‌های احتمالی، چه

مسیری پیش روی مقلد است؟ ابتدا باید دقت شود هر مسئله‌ای که جدید به نظر می‌رسد، لزوماً حکم جدیدی ندارد؛ بسیاری از مسائل در واقع ذیل قواعد پیشین پاسخ داده شده‌اند. اما اگر واقعاً مسئله‌ای نوپدید باشد که رهبر شهید در مورد آن نظری نداشته‌اند، مقلد نمی‌تواند در آن مورد بر تقلید میت باقی بماند. در اینجا گزینه «بقا» موضوعیت ندارد و فرد مکلف است یک مجتهد زنده و جایز‌التقلید را انتخاب کرده و در آن مسئله خاص، دقیقاً مطابق با فتاوی او عمل کند.

تکلیف احتیاط‌های واجب در شرایط جدید

بسیاری از مقلدان در مواردی که مرجع اصلیشان مانند امام خمینی (ره)، «احتیاط واجب» داشتند، به فتوای «امام شهید» عمل می‌کردند. آیا با شهادت ایشان، آن تصمیمات و اعمال قبلی همچنان از نظر شرعی معتبر و قابل استناد است؟

این رجوع معتبر باقی می‌ماند. اگر مکلف در زمان حیات رهبری شهید، در یک مسئله احتیاطی به فتوای ایشان رجوع و عمل کرده است، این عمل و استمرار آن بر اساس قواعد بقا بر تقلید، صحیح و معتبر است و با شهادت ایشان باطل نمی‌شود.

حوزه علمیه؛ نلنگ‌راه آرامش در تلاطم‌ها

در شرایط حساس فعلی که احتمال سردرگمی در مسائل شرعی وجود دارد، حوزه علمیه چگونه می‌تواند نقش آرامش‌بخش خود را ایفا کند؟ آیا ضرورت ندارد مراجع به یک دستورالعمل واحد برای رفع چنددستگی در نظرات برسند؟ باید میان تششت سردرگم‌کننده و تشریح علمی تفکیک قائل شد. وجود اختلاف نظر در مباحث نظری و علوم انسانی (اعم از اقتصاد، سیاست، فقه و...) امری طبیعی و نشانه حیات علمی است؛ همان‌طور که اقتصاددانان در مورد یک پدیده نظرات متفاوتی دارند. بنابراین، وفاق کامل بر یک نظر، عملاً ناشدنی است. اما این به معنای سردرگمی مردم نیست. اگر مؤمنان به کارشناسان مطمئن و عالمان دین رجوع کنند، درخواهند یافت که مسیر حرکت اصلاً پیچیده نیست. در سطح عالی و در فلسفه فقه، بزرگان می‌توانند با گفت‌وگو، فواصل علمی را کم کنند اما در سطح توده مردم، ما تششت بن‌بست‌آفرین نداریم. کافی است مردم با عالمان در ارتباط باشند تا این آرامش فقهی حفظ شود.

دیدگاه

نحوه مشارکت خانواده در حفظ استقامت اجتماعی با توجه به آموزه‌های دینی در مورد اسراف

جهاد خانواده مؤمن در میدان اقتصاد



ریحانه عامل نیک | خانواده در فرهنگ اسلامی، تنها محل تأمین نیازهای مادی نیست، بلکه مدرسه‌ای برای تربیت انسان مؤمن، باتقوا و متعادل، فعال و مسئولیت‌پذیر نیز است. یکی از مهم‌ترین عرصه‌های تربیت در خانواده، شیوه مصرف و نوع مواجهه با نعمت‌های الهی است. اینکه اعضای خانواده چگونه از امکانات، درآمد، خوراک، پوشاک، آب، برق، زمان و دیگر سرمایه‌های زندگی استفاده می‌کنند، تنها یک مسئله اقتصادی نیست؛ بلکه موضوعی اخلاقی، تربیتی و حتی عبادی به شمار می‌آید. در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام والمسلمین محمدباقر مشکاتی، کارشناس خانواده به تبیین منطق اسلام در بهره‌مندی از نعمت‌های خدادادی و بررسی ابعاد مصرف صحیح و به دور از اسراف و تبذیر در خانواده پرداخته و به شیوه‌های عملی آموزش مصرف درست به کودکان و نوجوانان از سوی خانواده اشاره شده است که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

نعمت الهی برای تبذیر و تافخر نیست

در منطق اسلام، نعمت‌های الهی برای بهره‌مندی درست انسان آفریده شده‌اند، نه برای تبذیر، تافخر و زیاده‌روی. قرآن کریم بارها انسان را به میانه‌روی، پرهیز از اسراف و رعایت اعتدال فراخوانده است. خانواده در منطق اسلام، تنها محل زندگی و رفع نیازهای روزمره نیست، بلکه سنگر اصلی تربیت، آرامش، هویت‌سازی و مقاومت اجتماعی نیز است.

در روزگاری که جامعه اسلامی ایران درگیر گونه‌های از جنگ تحمیلی است؛ جنگی که فقط در میدان نظامی و امنیتی خلاصه نمی‌شود، بلکه عرصه‌های اقتصاد، فرهنگ، رسانه، ذهن و سبک زندگی مردم را نیز دربر گرفته، نقش خانواده از همیشه مهم‌تر و حساس‌تر شده است. امروز دشمن تنها با سلاح و تهدید مستقیم به میدان نمی‌آید، بلکه با ترویج مصرف‌زدگی، تجمل‌گرایی، اسراف، چشم‌وهم‌چشمی و عادی‌سازی سبک زندگی اشرافی، بنیان‌های اقتصادی و روحی خانواده‌ها را هدف قرار می‌دهد.

خداوند متعال، انسان را به بهره‌مندی درست از نعمت‌ها فراخوانده و در عین حال او را از مرز خطرناک اسراف برحذر داشته است؛ در قرآن کریم آمده است: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ»؛ بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کنندگان را دوست ندارد» (سوره اعراف، آیه ۳۱). این آیه نشان می‌دهد حتی در امور

نیست، بلکه بخشی از جهاد فرهنگی و اقتصادی خانواده مؤمن به شمار می‌آید. خانواده‌ای که در برابر موج تبلیغات فریبنده، نیازهای کاذب، رقابت‌های ظاهری و ولخرجی‌های بی‌حاصل مقاومت می‌کند، در حقیقت از استقلال، عزت و سلامت درونی خود پاسداری می‌کند. این مقاومت، شکلی از مجاهدت است؛ زیرا انسان را وادار می‌کند در برابر نفس زیاده‌خواه، فشار محیط و فرهنگ مصرفی تحمیل شده ایستادگی کند.

پیامدهای اسراف در جامعه: اتلاف نعمت و بی‌مسئولیتی در برابر دیگران

اسراف در فرهنگ اسلامی، تنها به معنای مصرف زیاد نیست، بلکه هرگونه تجاوز از حد اعتدال و مصرف نایجا را دربرمی‌گیرد؛ حتی اگر در امور ظاهرًا کوچک باشد. گاهی اسراف در خوراک و پوشاک است، گاهی در آب و انرژی، گاهی در زمان و گاهی در برگزاری مراسم، خریدهای تجملی و هزینه‌هایی که هیچ‌نیاز واقعی پشت آن نیست. قرآن کریم با تعبیری بسیار هشداردهنده می‌فرماید: «إِنَّ الْمُبْتَدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ؛ همانا تبذیرکنندگان، برادران شیطان‌اند» (سوره اسراء، آیه ۲۷). این تعبیر، نشان‌دهنده شدت زشتی تبذیر و ریخت‌وپاش است؛ زیرا تبذیر، علاوه بر اتلاف نعمت، نوعی ناسپاسی، غفلت و بی‌مسئولیتی در برابر حقوق دیگران و مصالح جامعه نیز به شمار می‌آید.

پیامدهای اسراف در خانواده: منابع مالی فرسوده و فرزندان مصرف‌گرا

در زندگی خانوادگی، اسراف پیامدهای متعددی دارد. نخست آنکه منابع مالی خانواده را فرسوده می‌کند و فرصت بهره‌برداری درست از درآمد را از بین می‌برد. دوم،

روحیه مصرف‌زدگی را در فرزندان تقویت می‌کند و آنان را به سمت زیاده‌خواهی و ناراضیاتی سوق می‌دهد. سوم، فاصله خانواده را از محرومان و حس‌همدلی اجتماعی بیشتر می‌کند. کسی که به هدر دادن نعمت عادت می‌کند، کمتر درد نیازمندان را احساس خواهد کرد. امام صادق (ع) در روایتی می‌فرماید: «إِنَّ الْقَصْدَ أَمْرٌ يُجِبُّهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ، وَإِنَّ السَّرْفَ أَمْرٌ يَبْغِضُهُ اللَّهُ؛ میانه‌روی کاری است که خداوند، آن را دوست دارد و اسراف، کاری است که خدا آن را دشمن می‌دارد» (الکافی، ج ۴).

بنابراین، پرهیز از اسراف، تنها یک توصیه اقتصادی برای دوران سختی نیست، بلکه یک اصل ثابت اخلاقی و ایمانی است. خانواده‌ای که به این اصل پایبند باشد، به‌تدریج در مصرف غذا، پوشاک، آب، برق، خرید لوازم منزل، برگزاری مراسم و حتی استفاده از وقت؛ انضباط و تعادل بیشتری پیدا می‌کند.

نقش خانواده در آموزش عملی مصرف درست به کودکان و نوجوانان

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های نهادینه‌سازی فرهنگ مصرف صحیح، تربیت کودک و نوجوان در محیط خانه و خانواده است. فرزندان بیش از آنکه از توصیه‌های مستقیم اثر بپذیرند، از رفتار والدین الگو می‌گیرند. اگر پدر و مادر، خود گرفتار اسراف، تجمل‌گرایی، خریدهای غیرضروری و چشم‌وهم‌چشمی باشند، نمی‌توانند انتظار داشته باشند فرزندان‌شان ساده‌زیست، قانع و مسئول تربیت شوند.

آشنایی کودک با مفهوم و ارزش نعمت

نخستین گام در این زمینه، آن است که کودکان با ارزش

سخن پایانی: هر خانواده، بخشی از جبهه مقاومت اقتصادی و فرهنگی

در پایان گفتنی است، آموزش مصرف صحیح، ساده‌زیستی و پرهیز از اسراف در خانواده، از ضروری‌ترین آموزه‌های تربیتی و دینی در روزگار ماست. در جهانی که فرهنگ مصرف‌گرایی، تجمل‌پرستی و رقابت‌های ظاهری هر روز بیشتر بر زندگی مردم سایه می‌افکند، خانواده مسلمان وظیفه دارد با تکیه بر تعالیم قرآن و اهل‌بیت (ع)، سبک زندگی خود را بر پایه اعتدال و تقوا، قناعت و مسئولیت‌پذیری بنا کند. در فضای جنگ تحمیلی سوم، این مسئله به سطحی فراتر ارتقا پیدا می‌کند و به بخشی از جهاد اقتصادی و فرهنگی تبدیل می‌شود. امروز میدان نبرد تنها در مرزها یا عرصه سیاست نیست؛ بخشی از این نبرد در درون خانه‌ها جریان دارد، آنجا که سبک مصرف، نوع خواسته‌ها، نگاه به نعمت و شیوه مواجهه با امکانات، می‌تواند خانواده را مقاوم و استوار سازد یا فرسوده و وابسته و آسیب‌پذیر.

اگر خانواده بتواند در عمل، مرز میان نیاز و زیاده‌خواهی را بشناسد، از چشم‌وهم‌چشمی فاصله بگیرد، به نعمت‌ها حرمت بگذارد و فرزندان خود را با روحیه قناعت و تدبیر پرورش دهد، نه تنها از بسیاری از مشکلات مالی و روانی در امان می‌ماند، بلکه به الگویی از زندگی پاک، متوازن و با برکت تبدیل خواهد شد. چنین خانواده‌ای، در پرتو هدایت قرآن و عترت، می‌آموزد ارزش زندگی به فراوانی مصرف نیست، بلکه به درستی مصرف‌وپاکی سبک‌زیستن است. اهمیت این مسئله زمانی دوچندان می‌شود که بدانیم دشمن در این جنگ، تنها دارایی مردم را هدف نمی‌گیرد، بلکه اراده، رضایت، آرامش و هویت آنان را نیز نشانه رفته است. ترویج ناراضیاتی دائمی، ساختن نیازهای کاذب، عادی‌سازی اسراف و تبدیل تجمل به ارزش، از ابزارهای همین تهاجم نرم و فرسایشی است. در برابر این وضعیت، خانواده‌ای که قناعت، تدبیر، اعتدال و حرمت نعمت را به اعضای خود. به‌ویژه کودکان و نوجوانان. می‌آموزد، در حال انجام نوعی مجاهدت عمیق و ماندگار است.

در پایان عرض می‌کنم، هر خانه‌ای که در آن، مصرف از روی آگاهی باشد، هر سفره‌ای که از اسراف دور بماند، هر تصمیمی که با دوری از چشم‌وهم‌چشمی گرفته شود و هر فرزندی که با روحیه قناعت تربیت شود، بخشی از جبهه مقاومت اقتصادی و فرهنگی این امت را استوارتر می‌کند. چنین خانواده‌ای، با الهام از قرآن کریم و سیره اهل‌بیت (ع) نشان می‌دهد جهاد همیشه در میدان‌های نظامی نیست؛ قناعت و تربیت نسل آینده معنا پیدا می‌کند و انتخاب، قناعت و تربیت نسل آینده معنا پیدا می‌کند و این همان راهی است که می‌تواند عزت، برکت و پایداری جامعه را از درون خانواده‌ها حفظ کند و به تدریج احیا و تحقق تمدن نوین اسلامی ایرانی را در گام دوم انقلاب اسلامی رقم بزند.